

# يك زن آفریقایى سخن می گوید

سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران  
کتابخانه طرح آینده نگری

«برای ما زنان آفریقایى برابری کافی نیست،  
بلکه باید وظایف مرد را در جامعه متحول ما مورد  
تجدید نظر قرار داد و حدود آن را به دقت مشخص ساخت»

نوشته تلمآ آوری

تساوی حقوق برای زنان که جامعه بین-المللی اکنون مصرانه در طلب آن است به ما این امکان را نخواهد داد که بتوانیم همه مسائلی را که امروزه برای زنان آفریقایى مطرح است حل کنیم. وانگهی هنوز ثابت نشده است که تساوی حقوق راه حل مسائل مربوط به هر گروه مفروض مستعدیده‌ی در جهان، تلقی تواند شد. بهتر آنست که پیش از همه مسائلی را مورد بررسی قرار دهیم که زنان آفریقایى در وضع حاضر با آنها روبرو هستند. تنها در این صورت ممکن است ما بتوانیم راه حل خاصی بیابیم.

من در این مقاله می‌خواهم از عقیده‌ی دفاع کنم که به موجب آن برای استثمار که اکنون زنان آفریقایى به آن تن داده‌اند (و این نتیجه تغییراتی است که در وظایف آنان

در يك نظام اجتماعی متحول رخ داده است) نمی-توان راه‌حلی پیدا کرد مگر اینکه نقش اجتماعی مردان هم مورد توجه قرار گیرد.

حال می‌کوشیم یکی از مسائل عمده‌ی را که زنان آفریقایى امروزه با آنها مواجهند مورد بررسی قرار دهیم و آن مسئله مربوط به مسئولیت‌های افزایش یافته زنان آفریقایى است که دامنه آن روز بروز گسترده‌تر می‌شود. ما از يك سو با در نظر گرفتن واکنش خود زنان نسبت به این مسئله و از سوی دیگر با توجه به راه حل برابری حقوق که از طرف جامعه بین‌المللی پیشنهاد شده است، این بررسی را خواهیم کرد.

وقتی در آفریقا گفته می‌شود که زن مسئولیت حفظ خانواده‌گی را برعهده دارد نباید آن را سزاسری گرفت. زیرا منظور از این سخن تنها خانه‌داری، آشپزی یا مراقبت از کودکان نیست بلکه تولید و تهیه همه چیزهایی است که در زندگی کانون خانوادگی ضرورت دارند.

در جامعه غربی يك مرد کار می‌کند تا معاش خانواده خود را تأمین کند. ولی در آفریقای باستانی وضع دیگری حکمفرماست. در اینجا مسئولیت متوجه زن است. در آفریقای باستانی پدر نقش مهمی داشت. به وسیله او بود که يك زن و کودکانش می‌توانستند به گروهی بپیوندند و حقوقشان را در آن بدست آورند. همچنین عقیده بر این بود که پدر حامی خانواده و نگهبان ثروت اوست.

اگرچه ممکن بود اموال، زمین، کودکان و خود زن را ملک پدر و گروه وابستگان پدری او شمرده، با وجود این مسئولیت نگهداری و به ثمر رساندن داراییهای شوهر برعهده زن بود. البته زن بار مسئولیت سنگینی را بدوش می‌کشید ولی دست کم اشخاص دیگری که با کانون خانوادگی پیوند داشتند به او یاری می‌کردند و او می‌توانست به کمک و پشتیبانی معنوی شوهرش متکی باشد.

این وضع هم در زمانی که کشورهای آفریقایى تحت تسلط استعمار بودند و هم پس از آنکه این کشورها به استقلال نایل آمدند تاکنون دچار تغییرات بزرگی شده است. چون اکنون مردان در جستجوی کار یا کسب دانش

پیوسته در حرکت و فعالیت هستند از این رو همه سنگینی بار خانواده به دوش زنان افتاده است.

از تونس تا «کیپ‌تاون» میلیونها زن حتی آنان هم که بیوه نیستند به معنی پدر بودن و مادر بودن، شوهر بودن و زن بودن واقعاً بی برده‌اند. حرکت به سوی شهرها و کار در معدنها سبب می‌شود که زنان تنها بمانند. شوهران آنان دیگر قادر به حمایت و کمک آنان نیستند.

زنانی که پیش از همه از دوری شوهرانشان صدمه می‌بینند خواهان روستایی ما هستند. شوهران سالهاست که آنان را ترك گفته‌اند و در جستجوی کار به شهرها رفته‌اند. آنان می-توانند هر سال دو یا سه بار شوهران خود را ببینند، به غیر از این ارتباط زن و شوهر تنها به وسیله يك یا نامه امکان‌پذیر است و نامه‌ها را هم غالباً اشخاص دیگر می‌نویسند زیرا زن و شوهر هر دو ممکن است بی‌سواد باشند. به ندرت بخت با يك زن یاری می‌کند تا شوهرش بابت هزینه‌های آموزشگاهی و مخارج دیگر مقداری پول برای او بفرستد. در غیر این صورت او برای تأمین غذا و پوشاک خود و کودکانش باید به کارهای کشاورزی بپردازد یا اینکه پیشه‌ی اختیار کند.

هنگامی که مسئولان شهرها و معادن نقشه ساختمانی خانه‌های يك اطافه را که فقط به شوهران تخصیص داده شده، طرح می‌کردند زنان ایشان را از یاد بردم‌اند. در این خانه‌ها چندین مرد تنها باید از دست‌شویی و آشپزخانه واحدی استفاده کنند. در تعیین دستمزد شوهر، هفت کودک او که وی آنان را در خانه خود به بهامان خدا می‌سپارد و به سوی شهرها می‌رود در نظر گرفته نمی‌شوند. بدتر اینکه مرد به سرگرمیهای کوچکی سوق داده می‌شود و به نوشیدنی‌های الکلی متوسل می‌شود و یا به روسپیان روی می‌آورد.

اگر زن تمبهدست و بی‌بضاعت باشد کودکان وی نمی‌توانند به آموزشگاه بروند. آنان در خانه می‌مانند و در کارهای خانه به مادرشان کمک می‌کنند. در وضع حاضر بسیاری از کودکان به آموزشگاهها سپرده می‌شوند یا وقتی به سن رشد می‌رسند به سوی شهرها روانه



تلمآ آوری  
«THELMA AWORI»

که مدتی در دانشگاه ماکرکامپالا (در اوگاندا) و دانشگاه نایروبی (در کنیا) سمت استادی داشته، تحصیلات خود را در رشته جامعه‌شناسی و تعلیم و تربیت در دانشگاههای هاروارد و برکلی در ایالات متحد آمریکا به پایان رسانده است. او در لیبریا به دنیا آمده و مدت ده سال در اوگاندا و کنیا زندگی کرده و در آنجا ر سازمانهای زنان به مبارزاتی‌دست زده و در مورد مسائل مربوط به زنان آفریقایى تجربه‌های عینی بدست آورده است. او فعلاً دبیر کل اتحادیه سازمانهای زنان در اوگاندا است.

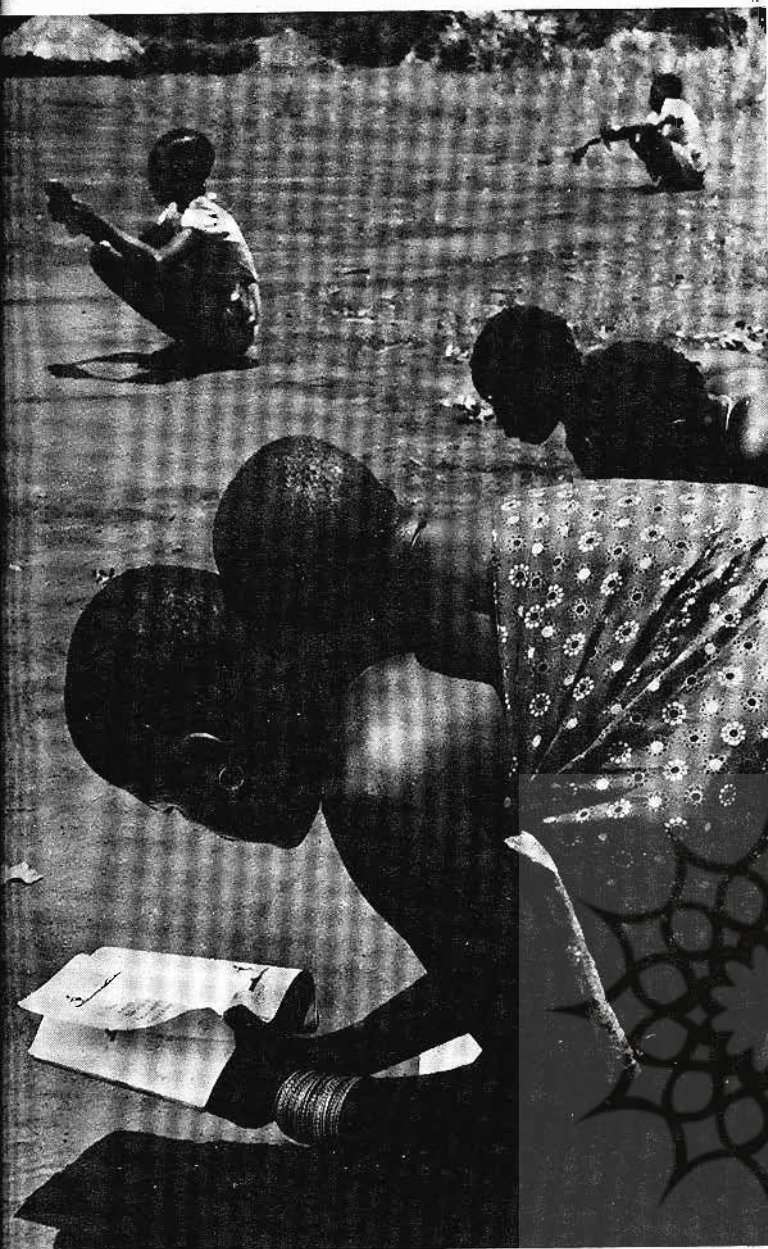


Photo © George Rodger, Magnum, Paris

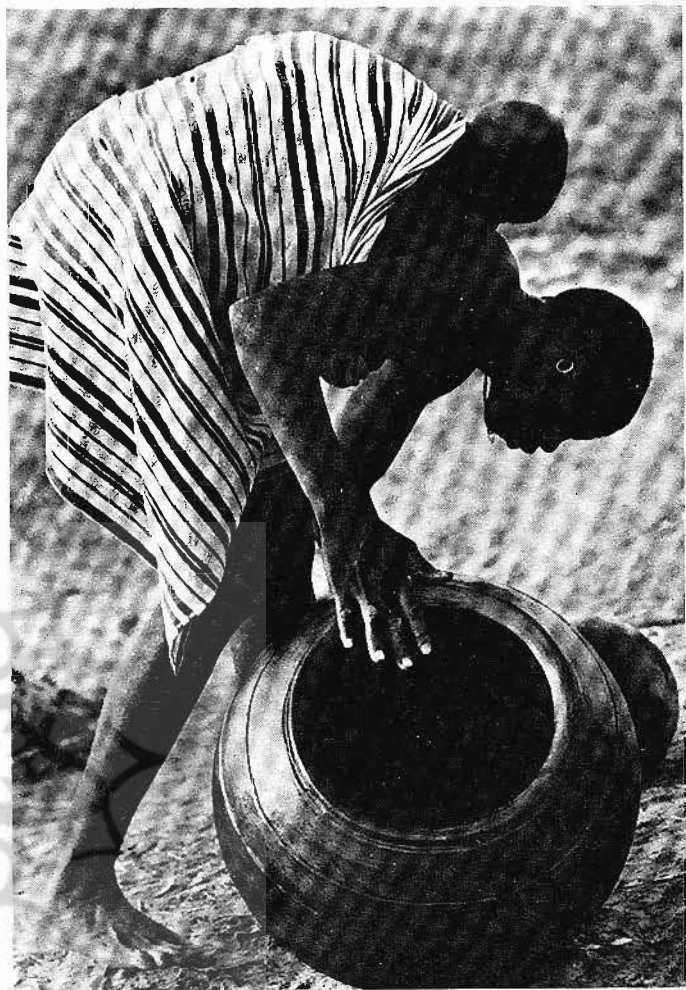


Photo © Fulvio Roiter, Venice

افراد خانواده و تأمین غذای آنان از وظایف او است. حال دیگر زن روستایی شخصاً به تفاوت بین مالکیت و مسئولیت نه به لحاظ نظری بلکه در عمل پی برده و آن را پذیرفته است.

تا زمانی که او چند کودک می‌پروراند سرفوست وی روشن است. چنین بنظر می‌رسد که یک زن آفریقایی هر اندازه بیشتر به سنت نزدیک باشد همان اندازه هم به مسئولیت‌هایی که درباره کودکان خود دارد اهمیت بیشتری می‌نهد. عشق و عواطف مادری روی او تأثیر عرفانی و مطیع‌کننده‌یی دارد. او فکر می‌کند که باید همیشه آماده باشد تا درباره کودکان خود فداکاری کند. ولی پدر در این نوع عواطف و احساسات هرگز شریک مادر نیست.

دامان مادر همیشه آخرین پناهگاه کودک است. اگر زنی تنها خانه شوهرش را ترک کند مثل اینست که کودکانش را به دست زن دیگری که او هم تنها است و مانند خود وی زیر بار سنگین مسئولیت‌های زندگی قرار دارد سپرده است. . . . و این وضع چندان مناسب حال کودکان نخواهد بود. او همچنین نمی‌تواند کودکان خود را به دست پدر و مادرش که خودشان نیازمند وی هستند بسپارد. این عمل را اطرافیان زن نخواهند پذیرفت. بنابراین او برای حفظ و نگهداری خانواده خود آنچه را که لازم است

می‌شوند و در نتیجه حلاله بزرگی در روستاها بوجود می‌آید. چه در مناطق روستایی افرادی لازمند که باید نگهداری دامها را برعهده گیرند، زمینها را شخم زنند، بذر بپاشانند و محصول را گرد آورند و در خانه‌ها کارهایی هست که باید هر روز آنها را انجام داد.

تحت تأثیر این وضع، دادستان کنیا در مجمعی از زنان در آفریقای شرقی سخنانی ادا کرد و گفت: «بی‌شک عرف ایجاب می‌کند که مردان نیازمندیهای زنان خود را تأمین کنند ولی عرف در واقع، قدرت و اعتبار سابق خود را ندارد و کاهش اعتبار آن، منتهی به پایمال شدن حقوق بیشماری شده است. مثلاً دیده می‌شود که شوهران برای پیدا کردن کار به شهرها می‌روند و زنان خود را به حال خود رها می‌کنند بی‌آنکه نیازمندیهای زندگی آنان را به‌طور کامل برآورند و این وضع بناچار باید تغییر پذیرد.

زن روستایی به کارهای پر زحمت و توان‌فرسایی گشوده می‌شود و در عین حال آرامش خود را حفظ می‌کند. شاید ما از فاصله بسیار نزدیک به چهره او نمی‌نگریم تا اضطراب نگاه و آثار پیری زودرس را در آن مشاهده کنیم.

زن روستایی با انجام دادن وظایف روزانه و مسئولیت‌هایی که شوهرش برعهده وی می‌گذارد به زندگی خود ادامه می‌دهد. نگاهداری

در تصویر سمت راست یکی از زنان کوزه‌گر ساحل عاج را مشاهده می‌کنید که کار ساختن ظرف بزرگی را دارد تمام می‌کند، در تصویر سمت چپ زن جوانی از اهالی سودان می‌آموزد.

انجام می‌دهد.

زنان روستایی می‌توانند به خواهران شهری خود مطالب زیادی بیاموزند. زنان شهری هم از همه حمایت‌های سنتی محرومند و ناگزیرند به شرایط دشوار زندگی گردن نهند. آنان غالباً خیلی دیر به تفاوت بین مالکیت و مسئولیت پی می‌برند. در صورتیکه زن شهری از یک مرد بار دار شود و کودکی به دنیا آورد این مرد با وجود اعتراف به اینکه کودک مال او است بار سنگین پرورش کودک را تماماً روی دوش زن می‌گذارد.

این امر تقریباً رایج است که زن پس از ازدواج درمی‌یابد که از حمایت عاطفی شوهر خود کاملاً برخوردار نیست و آثار مرارت و اضطراب باطنی چنین زن شهری پیش از ناراحتی‌های زن روستایی است. اگر او کار کند می‌تواند امور زندگی خود را به تنهایی انجام دهد. ولی چون بیشتر اوقات در آموزشگاه است بنا بر این بار مسئولیتها به دوش پدر و مادر وی می‌افتد.

بسیاری کشورهای آفریقایی مقرراتی در مورد تعیین نسب یا تعیین پدر فرزند که از روابط غیر قانونی بوجود آمده، وضع کرده‌اند تا بدان وسیله حقوق مادران بی‌شوهر را به رسمیت بشناسند و به آنان امکان دهند تا از پدر وسایل گذران زندگی کودک را مطالبه کنند. ولی مبالغ پیش-بینی شده مسخره‌آمیز و ناچیزند و رقمی را در حد و پانزده فرانک (۲۲۵ ریال) در ماه تشکیل می‌دهند.

کنیا قانونی را که در مورد تعیین نسب داشت در ۱۹۶۹ لغو کرده است.

تقریباً همه زنان آفریقایی اعم از متاهل و مجرد در بالابردن میزان درآمد نقدی و جنسی خانواده‌هایشان سهیم هستند. و این ناشی از سنت و در عین حال حاکی از نگرانی زنان آفریقایی است. سنت تعدد زوجات ظاهراً زن آفریقایی را ناگزیر کرده است تا از راه کار، بکوشد تا نیازمندیهای زندگی خود را به تنهایی برطرف سازد.

لیکن زن آفریقایی از این رو نگران است که او به‌هر حال باید با درآمد ناچیز خود زندگی بخورونمیر و محنت‌باری را بگذراند. در جامعه باستانی دغدغه گذران زندگی چندان شدید نبود زیرا جامعه برای اعضای خود تأمین‌هایی عرضه می‌داشت ولی اکنون نگرانیها به ویژه برای زنان شهروند چهره هولناکی بخود گرفته‌اند. زیرا کانونهای خانوادگی گرچه وجود دارند اما دیگر نمی‌توانند برای زنان آسایش خاطر بوجود آورند.

در شرایط کنونی زن آفریقایی در اندیشه امکانات مالی خود، وضع شوهرش و آموزش کودکانش است. او نگران است که آیا شوهرش پاس محبت‌های او را می‌دارد؟

بسیاری زنان گرچه با مردانی برگزیده و قابل اعتماد پیمان زناشویی بسته‌اند ولی از تمجید شوهرانشان برهیز می‌کنند. آنان درباره شوهران خود چنین می‌گویند: «فعالاً خوبست ولی می‌دانید که مردها عوض می‌شوند...»

نگرانی زنان کنونی آفریقا بی‌مورد نیست. در واقع مردان عوض می‌شوند، مردان آفریقایی تاکنون با دگرگونیهای فراوانی دمساز بوده‌اند و این وضع سبب شده است که در خودشان هم نگرانی بوجود آید.

بزرگترین نگرانی اینست که دیگر آنان را «سرور و کارفرما» به حساب نیآورند. و این نزد آنان به‌صورت یک رفتار بسیار مستبدانه ظاهر می‌شود.

حال به‌بینیم زنان آفریقایی در مقابل

وضعی که بوجود آمده است چه واکنشهایی از خود نشان می‌دهند؟ جواب این سؤال به چندین عامل بستگی دارد. چنانکه قبلاً گفته شد آن عده از خواهران ما که در مناطق روستایی به سر می‌برند مخصوصاً آنان که شوهر و فرزند دارند مشکلات زندگی را با آرامش و شکیبایی بیشتری تحمل می‌کنند. ولی اگر شوهر فکرده و جوان هم باشند شهر با همه وسایل تفریح و سرگرمی که در آن وجود دارد، با استقلالی که انسان در شهر می‌یابد مسئله را بگونه دیگری باید مطرح کرد.

حتی برای یک دختر تنها رابطه با مرد کار حتماً امیدبخشی محسوب نمی‌شود و همیشه

در بسیاری کشورهای آفریقایی در حدود ده سال پس از کسب استقلال زنان در آنچه مربوط به وضع قانونی آنان است برخوردار اروپایی خود برتری‌هایی دارند، ولی این موضوع در برخورد با واقعیت روزمره همیشه صدق نمی‌کند. در تصویر پایین دو نفر زن سنگالی را می‌بینید که وارد کاخ دادگستری‌ها کار می‌شوند.



Photo Bruno Barbey © Magnum, Paris

## راه‌های تنهایی

زنان روستائین آفریقا غالباً تنها در خانه می‌مانند و شوهرانشان ماه‌های متوالی دور از آنها و در شهرهایی که صدها کیلومتر از روستا فاصله دارند کار می‌کنند. در این صورت زن مسئولیت نگهداری از خانواده خود را برعهده دارد و وظیفه پدر را نیز انجام می‌دهد. در تصویر سمت چپ دو زن روستائین از اهالی لیبریا را روی جاده مشاهده می‌کنید که به سوی بازار می‌روند. در صفحه سمت چپ یک زن نیجریه‌یی را می‌بینید که به انتظار بازگشت شوهر خود نشسته است.



Photo Pamela Johnson - World Bank

آنان به بیماری زخم معده و سرع دچار گردند و روح تعرض و خشونت در آنان پدید آید. به هر حال زنی که برای تساوی حقوق مبارزه می‌کند با چنین وضعی دست‌بگیر است و اضطراب و پریشانی این زن او را به تحرك و فعالیت وا می‌دارد.

او برای دستمزد مساوی و مرخصیهای با استفاده از حقوق در دوران زایمان و برای بدست آوردن حقی که مخصوص خود او است (یعنی حق داشتن اموالی به نام خود حتی پس از ازدواج) مبارزه کرده است، او به هدف خود نایل آمده و به آرزوهای خود جامه تحقّق پوشانده ولی همه اینها نتوانسته است رابطه‌ی وی را با شوهرش بهبود بخشد.

هراندازه که او حقوق بیشتری بدست می‌آورد و استقلال بیشتری کسب می‌کند در واقع

مسئولیتش هم بیشتر می‌شود. او می‌بیند که بیشتر از سهم خود برای نگهداری خانواده کمک می‌کند. چنین وضعی چنان رایج و شایع است که بسیاری از زنان از خود می‌پرسند پس داشتن شوهر چه فایده‌یی دارد. به هر حال بنظر نمی‌رسد که مرد آفریقایی در چنین محیط، واکنشهای خوبی داشته باشد. در آنجا مرد خود را ناتوان و زبون احساس می‌کند و گمان می‌برد که او را کنار گذاشته‌اند.

برای کسانی که خانواده را سازمانی ضرور برای پیشرفت یک جامعه می‌شمرند وضع آفریقا شایسته آن است از زاویه تازه‌یی مورد بررسی قرار گیرد. البته مبارزه برای تساوی امکانات و حقوق ممکن است در بعضی کشورها دشوارتر از کشورهای دیگر باشد، با اینهمه زنان آفریقایی در طول مدت کمتر از ده سال

زن، یک نوع آموزش و زندگی خانوادگی را که مایه افتخارشان است، مدیون این طرز تلقی از فداکاری هستند. اینگونه زنان چون به علت داشتن بچه قادر نیستند از وضع محنت‌بار خود را برهانند پس شب زنده‌داری می‌کنند تا درآمدهای ناچیز اضافی به‌خاطر رفاه کودکانشان به دست آورند. آنان تفاوت بین مسئولیت و مالکیت را پذیرفته‌اند و مسئولیت را برعهده گرفته‌اند.

زنانی که سن کمتر و تحصیلات بیشتری دارند ظاهراً مشکلات زیادتری بوجود می‌آورند. اینان بی‌آنکه اندرزه‌های بزرگتران را بشنوند عدم مسئولیت شوهران خود را رد می‌کنند و البته بین زن و شوهر مشاجراتی هم روی می‌دهد. این زنان اصلاح‌طلب، معتقدند که برای بهبود اوضاع باید دست به اقدام بزنند، نبرد در چندین جبهه صورت می‌گیرد: روانی، اجتماعی، مالی و حتی گاه جسمانی.

آنان چنین می‌اندیشند که برای دفاع از حقوق یک فرد باید مبارزه کرد. ولی از این مبارزات چه نتیجه‌هایی می‌گیرند؟ مبارزات آنها غالباً به شکست می‌انجامد و آنگاه به دستگامهای قانونی روی می‌آورند تا اجازه طلاق بگیرند و جدایی از شوهر جز اینکه نگرانیهای آنان را تشدید کند، حاصلی بیار نمی‌آورد. در جامعه‌یی که تحت تسلط مردان است نگهداری سه یا چهار کودک برای یک زن تنها کار آسانی نیست، مضافاً بر اینکه جامعه به زنانی که از شوهران خود جدا شده‌اند، چندان روی خوش نشان نمی‌دهد. اگر سخن بزرگتران در آنان این گذارد و به زندگی زناشویی همچنان ادامه دهند این زندگی با مرارت و ناراحتی روحی توأم خواهد بود و ناراحتی روحی هم سبب می‌شود که

هم این کار به نفع وی نیست. زیرا او برای جلب نظر مردانی که آماده‌اند پول خرج کنند باید با دختران دیگر بیوسته رقابت کند. و اگر این دختر اشتباهی مرتکب گردد و از مردی باردار بشود معمولاً ارتباط آن دو قطع می‌شود و در این صورت مادر بچه مسئولیت حادثه را باید تماماً به گردن گیرد یا اینکه باید کودک نوزاد را کنار راه در صندوق خاک‌روبه به حال خود رها کند تا کارمندان خدمات اجتماعی بیایند و او را از آنجا بردارند و به خانواده‌های نوع‌دوست و نیکوکار بپسارند.

و اما اگر بخت با دختر یاری کند و رابطه‌ی وی با آن مرد ادامه یابد در این صورت مرد تمام هزینه زندگی کودک نوزاد و کرایه خانه زن را می‌پردازد و حتی ممکن است یک اتومبیل برای وی بخرد. اینگونه زنان غالباً محسود زنان دیگر قرار می‌گیرند. آنان پای‌بند هیچگونه تعهد زوجیت نیستند و ظاهراً می‌توانند هر چیزی که دلشان می‌خواهد از مردان بستانند.

و اما در مورد مردان باید گفت که ظاهراً با این وضع که هیچگونه گرفتاری روانی و مالی یا قانونی بوجود نمی‌آورد، بسیار موافق هستند. آنان هر وقت بخواهند می‌توانند چنین وضعی را بپذیرند یا از آن دوری گزینند. بسیاری از دختران مجرد و زنان جوانی که از شوهرانشان جدا شده‌اند این وضع را مطلوب می‌پندارند.

زنانی که سن بیشتر و رکیش مسیحی دارند از خدا می‌طلبند که مشکلاتشان را حل کند. به هر حال آنان با خود می‌گویند که چون سراسر زندگی مسیح آمیخته با فداکاری و از خودگذشتگی است پس چرا زندگی خود آنان نباید چنین باشد؟ بسیاری از جوانان امروزی، امه از مرد و



Photo World Bank

حقوق نخواهد توانست او را از زیر این بار سنگین رهایی بخشد. آنچه زن باید به مرد کمک کند تا روی پاهای خود بایستد، به مرد یاری دهد تا در رابطه‌یی که در آن مسئولیتها برابر باشند به وظایف خاص خود پی ببرد.

چگونه می‌توان حدود وظایف مردان را معین کرد؟ چگونه مردان در روابطشان با زنان مسئولیت‌های بیشتری خواهند داشت؟ در این مورد است که یک بحث عمومی باید آغاز شود و به این نکته باید همه علاقه نشان دهند.

ولی مردان ما از این همه فعالیت‌ها خالی می‌کنند، بهانه می‌گیرند و یا در میخانه‌ها به بحث و گفتگو می‌پردازند و به سستی و لاقیدی خود در قبال مسائل روزمره ادامه می‌دهند.

در این سال ۱۹۷۵ که سازمان ملل متحد آن را «سال بین‌المللی زن» اعلام کرده است وظیفه‌ی ما باید انجام گیرد یعنی ما در قاره آفریقا به مردان کمک کنیم تا نقش خود را در تغییر مفهوم روابطشان با زنان دریابند و ایفاء کنند، ما همچنین باید به پرورش فکری فرزندانمان بپردازیم. اگرچه ما چندان در اندیشه آن نیستیم، ولی این کار امکانات بسیار زیادی برای ما بوجود خواهد آورد. در مورد همسران و پدران، فرزندان ما مبارزه بسیار دشوار می‌نمایند ولی اگر ما به پیروزی دست یابیم نتایج آن ارزش زحمات ما را خواهد داشت.

■ تلمنا آوری

از همه زن است که امنیت و ثبات می‌آفریند و شوهر را دلگرم می‌سازد تا در دنیای داد و ستد و کار موفق گردد. چنین رویه‌یی از طرف زنان تمایل مردان را به نوشتن مشروبات الکلی کم می‌کند و از حوادث راه‌ها می‌کاهد و در عین حال شوهران و کودکان را وادار می‌کند به اینکه زادگاه خود را ترک نکنند.

چنین اظهاراتی را می‌توان بگونه‌های مختلف توجیه و تفسیر کرد ولی در معنای واقعی آن که نوعی دعوت به کمک و یاری است باید تعمق کرد.

این سخنان نمایشگر آن است که انسان سخت‌اگره دارد مسئولیت رفتار خاص خود را بپذیرد؛ در واقع او می‌خواهد چنین بگوید: «وظیفه من آن است که در کار خود موفق باشم ولی شما هم باید کاری داشته باشید زیرا من به تنهایی نمی‌توانم، آن را انجام دهم. و اگر من شکست بخورم در واقع تقصیر شماست زیرا شما زندگی را در خانه برای من تلخ کرده‌اید. برای شما لازم است که همیشه آماده باشید تا با چهره خندان و تظاهر به آسایش مالی و روانی آثار عدم کامیابی مرا از بین ببرید. دیگر مهم نیست که من چه کار می‌کنم.....»

بدینسان گناه همه شکست‌های مرد به گردن زن می‌افتد و چون زن از این وضع چندان آگاهی ندارد برای تساوی حقوق به مبارزه برمی‌خیزد و لذا بیشتر خود را برای گناهایی که مرتکب نشده است، مورد اتهام دیگران قرار می‌دهد.

بنابراین زن آفریقایی اکنون باید خود را از چنگ این مرد که چون کودکی بردوش او سنگینی می‌کند، نجات دهد. شعار تساوی

که به استقلال نایل آمده‌اند در آنچه مربوط به کامیابی قانونی آنان است از خواهران اروپایی خود فرسنگها جلو افتاده‌اند.

در اوگاندا همینکه زنان جرات پیدا کردند تا برای مطالبه بعضی حقوق نمایندگی از طرف خود نزد رئیس جمهور بفرستند با تقاضاهای آنان موافقت بعمل آمد. در کشور سومالی هم که بیشتر جمعیت آن مسلمان است وعده‌یی از نظامیان بر آن حکومت می‌کنند زنان برابری حقوق بدست آورده‌اند. پس برای اینکه زنان امکانات و حقوق بیشتری را حائز شوند فوریت مبارزه ضرور بنظر نمی‌آید (کلمه مساوات کاملاً فاقد معنی است) همه اینها با همکاری مردان بدست آمده است.

مسئله‌یی که بیشتر باید توجه ما را به خود جلب کند اینست که ما حدود وظایف مرد و زن را در جامعه کنونی آفریقا با هم و به طرز روشن‌تری معین کنیم. برای سازگاری با دگرگونی‌هایی که فعلاً در جامعه بظهور می‌پیوندد، مردان هم به اندازه زنان مشکلاتی دارند.

مبارزه کردن برای این منظور که زن از امکانات بیشتری برخوردار گردد می‌تواند مسائل دیگری را حل کند ولی نه مسئله روابط بین مردان و زنان را، زیرا این مسئله مربوط به روابط انسانی است و در مورد آن از قوانین، کار مهمی ساخته نیست.

یکی از رهبران آفریقایی طی سخنانی که در مجمعی از زنان به زبان رانده عقیده‌یی را که اکنون در میان بسیاری از مردان رواج دارد، به خوبی چنین بیان کرده است: «زن مسئولیت‌صالح و ثبات کانون خانوادگی را برعهده دارد. بیشتر